

جلسه ۱۴: تثنیه ۳۱-۳۴

دکتر سینتیا پارکر

این دکتر سینتیا پارکر و تدریس او در مورد کتاب تثنیه است. این جلسه پایانی، جلسه ۱۴، تثنیه ۳۱-۳۴ است.

مقدمه

خب، داریم کتاب تثنیه را تمام می‌کنیم. خب، سخنرانی‌های ما رو به پایان است و قرار است شروع به گره زدن چند رشته نخ رها شده‌ای کنیم که تا اینجا از تار و پود کل کتاب بیرون کشیده‌ایم. خب، در همان ابتدا اشاره کردم که وقتی اولین روایت تاریخی‌مان را انجام دادیم، در مورد اینکه چگونه فصل‌های ۱ تا ۳ در واقع به عنوان نگهدارنده کتاب تثنیه عمل می‌کنند صحبت کردیم. بنابراین، در این فصل‌های آخری که امروز بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که این فصل‌های ۱ تا ۴ به نوعی به ما کمک کردند تا دور هم جمع شویم و مضامین اصلی و بزرگی را از طریق تثنیه معرفی کنیم. سپس ۵ تا ۳۰ مورد داریم که در تمام سخنرانی‌های قبلی در مورد آنها بحث کرده‌ایم. و حالا در فصل‌های ۳۱ تا ۳۴ هستیم. ضمناً، این نگهدارنده‌های کتاب که اینجا تصویرشان را گذاشته‌ام، از فروشگاه پاتری بارن هستند. بنابراین، اگر علاقه‌مند هستید، می‌توانید کاتالوگ آنها را ببینید.

بنابراین، متوجه شدیم که قانون شریعت در هسته اصلی کتاب قرار دارد. در تثنیه تمرکزی وجود دارد که به قانون شریعت اشاره می‌کند، زیرا قانون شریعت چیزی است که به مردم اجازه می‌دهد تا در سرزمینی که خدا به قوم خود می‌دهد، یک زندگی انسانی کامل داشته باشند. اما ما قانون شریعت را با تکرار تاریخ و جایگاه قوم معرفی کرده‌ایم. ما یک جایگاه جغرافیایی و همچنین یک جایگاه تاریخی انجام دادیم. و ما شروع به دیدن شباهت‌هایی در این چند فصل اخیر خواهیم کرد. به علاوه، ما در مورد آخرین اقدامات موسی در طول زندگی‌اش بحث کرده‌ایم، بنابراین اکنون باید روایت موسی را به پایان برسانیم و این در فصل ۳۴ به پایان خواهد رسید.

پایانه رزرو نهایی

بنابراین، همانطور که شروع می‌کنیم و وارد این چارچوب بیرونی می‌شویم، من آن را پایان کتاب تثنیه می‌نامم. اکنون برخی از این تکرارها را خواهیم دید که به فصل‌های ۱-۴ یا ۱-۳ تثنیه بازمی‌گردند. بنابراین همانطور که وارد می‌شویم، این فصل را با یک مرور تاریخی شروع می‌کنیم که دقیقاً همانطور است که فصل ۱

تثنيه شروع شد. بنابراین، ابتدا روایت تاریخی را داریم و سپس خواهیم دید که چگونه یک سازماندهی بسیار خاص برای این فصل داریم. بنابراین، ما تأکیدی داریم که بر شریعت قرار دارد. ما تأکیدی داریم که بر یوشع قرار دارد زیرا یوشع اکنون رهبری را از موسی به دست خواهد گرفت. ما درست در وسط این شناخت داریم که ارتداد قرار است

.اتفاقاً به احتمال زیاد بنی اسرائیل از خدا روی برمی‌گردانند

و سپس به ذکر یوشع برمی‌گردد، و به مفهوم شریعت برمی‌گردد. باز هم، می‌توانیم بگوییم اگر فقط ۳۱ را به همین شکل رها کنیم، به نظر می‌رسد که این ایده را تقویت می‌کند که بنی اسرائیل قرار است خدا را رد کنند، و به نظر می‌رسد که این یک پیام منفی برای به تصویر کشیدن است. به جز اینکه در نهایت ما را به سرود موسی، که فصل ۳۲ است، می‌رساند. بنابراین، در واقع، چیزی که در نهایت از این برداشت می‌کنیم، همراه با این ایده که شریعت باید نوشته شود، این است که یوشع قرار است رهبر بعدی باشد. چیزی که به دست می‌آوریم این است که این اتفاق به احتمال زیاد رخ خواهد داد، و بنابراین، بنابراین، ما به چیزی مانند سرود موسی در فصل ۳۲ نیاز داریم تا به مردم کمک کنیم تاریخ خود را به یاد بیاورند و به یاد بیاورند که خدا کیست

تثنيه ۳۱ - تلاوت قانون جشن خیمه‌ها، خدا به عنوان جنگجو، عوج و سیحون

بنابراین، بیایید نگاهی به فصل ۳۱ بیندازیم. این بخش تاریخی است. بنابراین، آنها روایت آنچه اتفاق می‌افتد را به یاد می‌آورند. بنابراین در آیه اول، "موسی رفت و این سخنان را به تمام اسرائیل گفت و به آنها گفت: من امروز ۱۲۰ ساله هستم. دیگر نمی‌توانم آمد و رفت کنم. و خداوند به من گفته است که شما از اردن عبور نخواهید کرد. این خداوند، خدای شماست که پیش روی شما عبور می‌کند. او این ملت‌ها را پیش روی شما نابود خواهد کرد و شما آنها را بیرون خواهید کرد. یوشع کسی است که پیش روی شما عبور خواهد کرد، همانطور که "خداوند گفته است"

بنابراین، ما این مضمون خدا را به عنوان جنگجو می‌بینیم، و اولین باری که این را شنیدیم نیز در تثنيه بود. و سپس به پادشاهان عوج و سیحون اشاره می‌کنیم که هم در فصل اول و هم در فصل سوم در تثنيه به آنها اشاره شده است. «پس خداوند با آنها همانطور که با سیحون و عوج، پادشاهان اموریان، و با سرزمینشان رفتار کرد، هنگامی که آنها را نابود کرد، رفتار خواهد کرد. خداوند آنها را به دست شما تسلیم خواهد کرد و شما طبق

تمام دستوراتی که به شما داده‌ام با آنها رفتار خواهید کرد. قوی و شجاع باشید، از آنها نترسید و نترسید، زیرا خداوند خدای شما کسی است که با شما می‌رود. او شما را تنها نخواهد گذاشت و ترک نخواهد کرد.» آنگاه موسی یوشع را فراخواند و در حضور تمام بنی‌اسرائیل به او گفت: «قوی و دلیر باش، زیرا تو با قوم به سرزمینی که خداوند برای پدران شما سوگند یاد کرده است که به آنها بدهد، خواهی رفت. و آن را به عنوان میراث به آنها خواهی داد. این خداوند است که پیشاپیش شما می‌رود. او با شما خواهد بود. او شما را تنها نخواهد گذاشت.» و ترک نخواهد کرد. نترسید و هراسان نشوید

و سپس در آیه ۹ می‌رسیم: «پس موسی این شریعت را نوشت و به کاهنان داد.» و دوباره، هر بار که این تکرار می‌شود: «موسی این شریعت را نوشت»، ما همیشه مکث می‌کنیم و می‌پرسیم، این شریعت چیست؟ آیا فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ است؟ آیا بخش‌هایی از آن است، آیا بخش‌هایی از آن است، چه چیزهایی را شامل می‌شود؟ و این همان چیزی است که افرادی که عاشق مطالعه جزئیات واقعی زبان هستند، سعی می‌کنند در تئیه عمیق شوند تا بفهمند هسته اصلی، باستانی‌ترین بخش تئیه که این شریعت است، چیست.

اما چیزی که باید از آن غافل شویم این است که موسی کسی است که این آموزه‌های شفاهی را می‌گیرد و چیزی را برای مردم می‌نویسد.

قرانت شریعت در جشن خیمه‌ها

و سپس «موسی به لاویان و کاهنان دستور می‌دهد که بگویند: در پایان هر هفت سال، در زمان بخشش بدهی‌ها، در عید خیمه‌ها، هنگامی که تمام اسرائیل برای حضور در حضور خداوند، خدای شما، در مکانی که او، انتخاب می‌کند، می‌آیند، این قانون را در حضور تمام اسرائیل، در حضور آنها بخوانید. مردم، مردان، زنان، کودکان و غریبانی که در شهر شما هستند را جمع کنید تا بشنوند و یاد بگیرند و از خداوند، خدای شما بترسند و مراقب باشند که تمام کلمات این قانون را رعایت کنند. فرزندان آنها که ندانسته‌اند، خواهند شنید و یاد خواهند گرفت که از خداوند، خدای شما بترسند، تا زمانی که شما در سرزمینی که قرار است برای تصرف آن از اردن عبور کنید، زندگی می‌کنید.»

ما در مورد اینکه چگونه یکی از تأکیدات در تئیه از فصل ۶ در فصل ۱۱ آمده است، صحبت کرده‌ایم: این سخنان را به فرزندان بیاموزید، وقتی از خواب بیدار می‌شوید، وقتی دراز می‌کشید، وقتی در خانه هستید» وقتی در خیابان هستید، وقتی راه می‌روید، وقتی کار می‌کنید، وقتی غذا می‌خورید، از صبح تا شب در هر فعالیتی که به فرزندان قانون را آموزش می‌دهید، همه چیز را شامل می‌شود.» بنابراین، تئیه تاکنون بر این انتقال بسیار شخصی قانون از والدین به فرزند تأکید داشته است.

و حالا می‌بینیم، حالا که موسی این کلمات را می‌نویسد و آن را به کاهنان می‌دهد. او می‌گوید که یک گردهمایی وجود دارد. زمانی است که همه ما، به عنوان یک جامعه، در طول عید خیمه‌ها گرد هم می‌آییم. و اگر شما در کلاس من بودید، از شما می‌خواستم که به من بگویید، آیا به یاد دارید که این در کدام ماه است و چه تعطیلاتی را جشن می‌گیرد؟

اما در آن زمان است که قرار است کاهنان این قانون را با صدای بلند بخوانند تا یک بار دیگر، به طور جمعی به عنوان یک ملت، این موضوع را به رسمیت بشناسیم. همه ما با این موضوع موافقت کرده‌ایم

متون دیگر در مورد قرائت عمومی قانون

حال، اگر به روایات تاریخی نگاه کنیم و در مورد آن فکر کنیم، آیا تا به حال چنین اتفاقی افتاده است؟ خب، چیزی مشابه، خواندن شریعت، گرد هم آمدن مردم و توافق بر سر آن، در اواخر کتاب یوشع اتفاق می‌افتد

این اتفاق درست در زمان اصلاحات پادشاه یوشیا رخ می‌دهد. آنها مردم را گرد هم می‌آورند، این کلمات یا کتاب قانون را می‌خوانند و مردم توبه می‌کنند زیرا متوجه می‌شوند که چقدر از قانون دور شده‌اند

ما همچنین آن را در کتاب عزرا می‌بینیم. بنابراین، هنگامی که یهودیان از سرزمین بابل، از تبعید در بابل، که اکنون سرزمین پارس است، باز می‌گردند. آنها می‌آیند و در یهودیه اقامت می‌کنند. عزرا همه مردم را دور هم جمع می‌کند و با صدای بلند کتاب قانون را برای آنها می‌خواند. بنابراین، ما این موارد را داریم که به نظر می‌رسد ثبت شده است که همه دور هم جمع می‌شدند. اما آیا این اتفاق هر هفت سال یکبار، هر بار که بخشش بدهی وجود داشت، رخ می‌داد؟ ما در واقع نمی‌دانیم که آیا این چیزی است یا سنتی که بنی‌اسرائیل واقعاً انجام می‌دادند. اما این چیزی است که به عنوان یک امر هدمند و سودمند برای مردم ثبت شده است تا بار دیگر جزئیات قانون، نحوه عمل آنها برای اثبات عشق خود به خدا را به یاد بیاورند

من از چند آیه دیگر صرف نظر می‌کنم زیرا بخش میانی بخش دیگری است. اینگونه است که یوشع خداوند، یوشع و موسی را در خیمه اجتماع فرا می‌خواند و می‌گوید: «یوشع، من تو را برگزیده‌ام و تو کسی هستی که باید مسح شود»

معرفی سرود موسی

در آیه ۱۹، او نه، راستش را بخواهید، می‌خواهم از آیه ۱۷ شروع کنم. یک تشخیص وجود دارد؛ این تشخیص این است که آنها ارتداد مردم را تشخیص می‌دهند

می‌گوید: «آنگاه خشم من در آن روز بر ایشان افروخته خواهد شد. ایشان را ترک خواهم کرد و روی خود را از ایشان خواهم پوشانید. ایشان هلاک خواهند شد و بدی‌ها و مصیبت‌های بسیار بر ایشان نازل خواهد شد، چنانکه «در آن روز خواهند گفت: «مگر نه این است که خدای ما در میان ماست که این بدی‌ها بر ما وارد شده است؟ اما من به سبب تمام بدی‌هایی که ایشان خواهند کرد، در آن روز روی خود را خواهم پوشانید، زیرا به سوی خدایان دیگر خواهند رفت. پس اکنون این سرود را برای خود بنویسید و آن را به بنی‌اسرائیل بیاموزید. آن را بر لبان ایشان بگذارید تا این سرود برای من علیه بنی‌اسرائیل شاهد باشد. زیرا هنگامی که ایشان را به سرزمینی که به شیر و عسل جاری است و برای پدران‌شان قسم خوردم، بیاورم و از آن بخورند و سیر شوند و کامیاب گردند، آنگاه به سوی خدایان دیگر خواهند رفت و آنها را عبادت خواهند کرد و مرا رد خواهند نمود و عهد مرا خواهند شکست.»

بنابراین، تشخیص اینکه این آهنگ برای حفظ این آموزه‌ها در ذهن آنها ضروری است، ضروری است زیرا وقتی وارد می‌شوند و زندگی برایشان آسان‌تر می‌شود، زمانی که دیگر در قلب بیابان و در آستانه مرگ نیستند و برای زنده ماندن تقلا می‌کنند، زمانی که زندگی برایشان کمی آسان‌تر شده است، آن زمان آسان‌ترین زمان برای فراموش کردن چگونگی رسیدن به آنجا است. و بنابراین، این آهنگ برای کمک به آنهاست تا به یاد بیاورند.

بنابراین در پایان فصل آمده است: «پس موسی این سرود را در همان روز نوشت و آن را به بنی‌اسرائیل آموخت. سپس یوشع پسر نون را مأمور کرد و گفت: «قوی و شجاع باشید، زیرا شما بنی‌اسرائیل را به سرزمینی که به آنها قسم خورده‌ام، خواهید آورد و من با شما خواهم بود.» هنگامی که موسی نوشتن کلمات این قانون را در کتابی به پایان رساند تا زمانی که آنها کامل شدند، موسی به لایوانی که صندوق عهد و پیمان خداوند را حمل می‌کردند، دستور داد و گفت: «این کتاب قانون را بگیرید و آن را در کنار صندوق عهد خداوند خدای خود قرار دهید تا در آنجا به عنوان شاهی علیه شما بماند. زیرا می‌دانم که عصیان و سرسختی شما تا زمانی که امروز با شما زنده هستم، ادامه خواهد داشت، شما علیه خداوند عصیان کرده‌اید. پس چقدر بیشتر از زمانی که پس از مرگ من باشد. پس تمام بزرگان قبایل و افسران خود را برای من جمع کنید تا این سخنان را در گوش آنها بگویم و آسمان و زمین را علیه آنها شاهد بگیرم.» زیرا می‌دانم که پس از مرگ من، فاسد خواهید شد و از طریقی که به شما امر کرده‌ام، روی خواهید گرداند، و در روزهای آخر، بدی بر شما نازل خواهد شد. زیرا آنچه را که در نظر خداوند بد است، انجام خواهید داد و با اعمال دست خود، او را به خشم خواهید آورد.

بنابراین، باز هم، یکی دیگر از این موارد تا حدودی شبیه پایان بدبینانه موسی به نظر می‌رسد، اینکه این رهبر بزرگ، که آنها را در بیابان رهبری کرده و به مرز سرزمین‌شان رسانده، عملاً تشخیص دهد که آنها

همچنان مانند گذشته خواهند بود. بنابراین، آنها به چیزی نیاز دارند که همچنان قلب‌هایشان را به حرکت درآورد. و آنها را به اطاعت و به یاد آوردن خدایشان و اینکه به عنوان قوم خدا چه کسانی هستند، برانگیزد.

تثنیه ۳۲ - سرود موسی

خب، داریم به فصل ۳۲ می‌رسیم. فصل ۳۲ «سرود موسی» نام دارد. این فصل یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های تثنیه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد بخشی از زبانی که در این کتاب استفاده شده، یعنی شعری که در این کتاب آمده، بازتابی از دوران بسیار باستانی‌تری است. حداقل، این یک شعر بسیار بسیار قدیمی است که خیلی زود آموزش داده شده و در میان بنی‌اسرائیل رواج داشته است. این شعری است که در سراسر نوشته‌های انبیا طنین‌های مختلفی دارد. بنابراین، ما با این فکر شروع می‌کنیم که داشتن یک سرود چقدر متفاوت است و داشتن یک سرود چقدر ضروری است.

اهمیت یک آهنگ

می‌خواهم کلمات یک سخنرانی یا گفتگوی نسبتاً معروف را برایتان بنویسم. ممکن است اولین کلمات این سخنرانی را بشناسید یا نه: «من یک رویا دارم.» و گاهی اوقات، فقط با همین چهار کلمه، اگر بگویم «من یک رویا دارم»، مردم فوراً به یاد مارتین لوتر کینگ جونیور می‌افتند. این بخشی از بافت فرهنگی ماست. خب، این بخشی از آن سخنرانی است، و سخنرانی بسیار قدرتمند و بسیار زیبایی است. و اگر صدای خود مارتین لوتر کینگ را نشنیده‌اید، آن را بشنوید؛ چندین فایل صوتی از آن وجود دارد، باید به سخنرانی او گوش دهید. شاید سخنرانی را خوانده باشید. شاید شنیده باشید که مردم در مورد قدرت سخنرانی صحبت می‌کنند. شاید سخنرانی را حفظ کرده باشید. من چندین بار سخنرانی را خوانده‌ام. به نظرم شگفت‌انگیز است.

اما گذشته از عبارت «من رویایی دارم»، اگر کسی فقط یک نقل قول برای من بود، بخشی در وسط آن سخنرانی، ممکن است بتوانم یا نتوانم فوراً آن را با مارتین لوتر کینگ مرتبط کنم. شاید به این دلیل که این سخنرانی آنقدر مشهور است که من می‌توانستم، اما همه نمی‌توانند، حتی اگر «من رویایی دارم» را بدانند، همه نمی‌توانند فوراً کل متن سخنرانی را مرور کنند و دقیقاً به شما بگویند که همه کلمات مربوط به سخنرانی چیست.

حالا، بیایید این را در مقابل یک آهنگ قرار دهیم. این یک آهنگ قدیمی است. از یک فیلم قدیمی گرفته شده است. «خورشید فردا بیرون خواهد آمد.» از فیلم آنی است.

و این یکی از آن آهنگ‌هایی است که قدرتمند نیست، چون این زمینه فرهنگی بزرگ را به ما یاد نمی‌دهد. مثل خطبه یا سخنرانی مارتین لوتر کینگ نیست. فقط یک آهنگ است. با این حال می‌توانم چند کلمه از وسط آهنگ

انتخاب کنم، شروع به خواندن آن کنم، و شرط می‌بندم بسیاری از شما به من ملحق خواهید شد. در واقع، این خطر وجود دارد که اگر شروع به خواندن این آهنگ کنم، "خورشید فردا طلوع خواهد کرد. روی آخرین دلار ت شرط ببند که فردا همینطور خواهد بود." ممکن است در نهایت آن آهنگ تا آخر روز در ذهنتان بماند. خواهش می‌کنم.

بنابراین، چیزی در مورد آهنگ‌هایی که یادگیری‌شان آسان‌تر است وجود دارد. ملودی در ذهن او گیر می‌کند و شروع به گوش دادن به آن می‌کند. بنابراین، آهنگ‌ها با موعظه‌ها و سخنرانی‌ها بسیار متفاوت هستند.

پس چرا موسی باید سرودی بنویسد و آن را به مردم بیاموزد؟

آنها نوشته‌ی شریعت را دارند. این قلب است. این چیزی است که قلب و شفقت خدا را برای قومش نشان می‌دهد اما آنها به چیزی نیاز دارند که به راحتی قابل یادآوری باشد. و بنابراین این سرودی است که موسی به مردم می‌آموزد.

سرود موسی - تثییه ۳۲: ۱-۲

بنابراین، این سرود موسی است. با این جمله شروع می‌شود: «ای آسمان‌ها، گوش فرا دهید و بگذارید سخن بگویم، و زمین سخنان دهانم را بشنود.» این فراخوانی است برای شاهدان تا شاهد آنچه به مردم گفته می‌شود باشند. و من عاشق این بیت در آیه ۲ هستم، که می‌گوید: «بگذارید تعلیم من مانند باران بیارد و کلام من مانند شبنم تقطیر شود، مانند قطرات بر علف تازه و مانند رگبار بر گیاهان»

بنابراین، من سعی کردم تصویری از شبنم را بکشم که به نوعی به صورت قطرات روی چمن جمع می‌شود. با استفاده از این استعاره چه چیزی را بیان می‌کند؟ این، همانطور که آب روی شاخه‌ها، روی تیغه‌های چمن یا روی شاخه‌ها و برگ‌های گیاهان جمع می‌شود، آنها می‌ریزند و به آرامی در خاک نفوذ می‌کنند. و موسی می‌گوید: "همچنین باشد که سخنان من مانند شبنم بر شما بیارد." نه رگبارهای شدید زمستانی که می‌آیند و بر سر شما می‌ریزند، بلکه باشد که بر شما جمع شوند و به خاک بیارند.

تثییه ۳۲: ۳-۸ - تاریخ شورش اسرائیل و وفاداری خدا

در آیه ۳، «زیرا من نام خداوند را اعلام می‌کنم، و خدای ما، صخره را با عظمت توصیف می‌کنم. کار او کامل است. زیرا همه راه‌های او عادلانه است، خدای امین و بی‌انصافی. عدالت و راستی از آن اوست. آنها با او فاسد شده‌اند. آنها به دلیل نقص خود فرزندان او نیستند، بلکه نسلی منحرف و کج هستند. آیا شما اینگونه به خداوند پاداش می‌دهید؟ ای قوم نادان و بی‌خرد، آیا او پدر شما نیست که شما را خریده است؟ او شما را استوار

ساخته است. روزهای قدیم را به یاد آورید؛ سال‌های همه نسل‌ها را در نظر بگیرید. از پدر خود بپرسید. او به شما اطلاع خواهد داد، بزرگان شما به شما خواهند گفت، وقتی حضرت اعلی میراث ملت‌ها را داد، هنگامی که «بنی‌آدم را از هم جدا کرد، مرزهای قوم را بر اساس تعداد بنی‌اسرائیل تعیین کرد»

و حالا داریم به چیزی که در تثبیه خیلی رایج بوده برمی‌گردیم و تاریخان را بازگو می‌کنیم. به جز اینجا، در انتهای تثبیه و اینجا، در انتهای اسفار پنج‌گانه، که در نهایت به برخی از بازتاب‌ها در پیدایش ۱ و ۲ می‌رسیم. برخی از وام‌گیری‌ها از همان نوع زبان است. پس در حین خواندن به آن گوش دهید

تثبیه ۳۲: ۹-۱۰ و پیدایش ۱ و ۲

بنابراین، در آیه ۹ آمده است: «زیرا نصیب خداوند قوم اوست. یعقوب سهم میراث اوست. او را در سرزمینی بیابانی و در بیابانی سوزان یافت.» و در واقع، «بیابان‌های سوزان» در آنجا، کنجاوم که ترجمه شما چه می‌گوید و کتاب مقدس شما چگونه آن را تفسیر می‌کند. این به موازات «سرزمین بیابانی» است، اما کلماتی که در واقع برای «تو» استفاده می‌شوند و ابوهو، که همان هرج و مرج تاریک و عمیق است که در پیدایش ۱ نشان داده می‌شود. بنابراین، در پیدایش ۱:۱ وقتی می‌گوید «در ابتدا»، وقتی خدا فرآیند خلقت را آغاز می‌کند و روح بر فراز ژرفا در اهتزاز است. آن ژرفا، توهو است. و ابوهو. و این یک روش جالب برای صحبت در مورد سرزمین بیابانی است که خداوند قوم خود را از آن بیرون می‌آورد.

بنابراین، دوباره، در آیه ۱۰. «او را در سرزمینی بیابانی و در بیابانی سوزان یافت. او را احاطه کرد؛ از او مراقبت نمود. او را مانند مردمک چشم خود محافظت نمود. مانند عقابی که لانه خود را تکان می‌دهد و بر جوجه‌های خود پرواز می‌کند.» و دوباره، آن کلمه، «پرواز کردن» در واقع بیشتر دلالت بر بال زدن دارد می‌توانید پرنده‌ای را تصور کنید که با دقت و نگرانی زیادی بر روی لانه خود بال می‌زند. جالب اینجاست که دقیقاً همان فعلی است که در باب اول پیدایش در مورد روح صحبت می‌کند که بر فراز اعماق دریا پرواز می‌کند بنابراین، ما در اینجا می‌شنویم که این نوعی داستان خلقت است که با کلماتی که در سرود موسی استفاده شده است، روایت می‌شود.

تثبیه ۱۱: ۳۲-۱۵ محصول زمین

بنابراین، «بال‌هایش را گشود و آنها را گرفت، آنها را بر پرهای خود حمل کرد، تنها خداوند او را هدایت کرد. هیچ خدای بیگانه‌ای با او نبود. او را بر بلندی‌های زمین سوار می‌کرد و از محصول مزرعه می‌خورد، و او را وادار می‌کرد که عسل را از صخره و روغن را از سنگ خارا بمکد. کره گاو، شیر گله «چربی بره‌ها و قوچ‌ها، نژاد باشان و بز، با بهترین گندم و خون انگور، شراب می‌نوشید»

فراموش کردن خدای خود ۲۱-۱۵ [تثنيه ۳۲

این روشی بسیار شاعرانه و زیبا برای صحبت در مورد محصول واقعی، بسیار واقعی که در آن سرزمین تولید می‌شد، است. «اما پیشورون چاق و لگدمال شد.» بنابراین پیشورون نام دیگری برای یعقوب است، یا اشاره‌ای به یعقوب است. بنابراین، این روش دیگری برای صحبت در مورد اسرائیل است. بنابراین پیشورون چاق و لگدمال شد، تو چاق، چاق و خوش‌قیافه شدی. سپس او خدایی را که او را آفریده بود، رها کرد و صخره نجات خود را تحقیر کرد. آنها او را با خدایان بیگانه حسادت ورزیدند. با پلیدی‌ها، او را به خشم آوردند آنها برای شیاطینی که خدا نبودند قربانی کردند. برای خدایانی که آنها نمی‌شناختند، اخیراً خدایان جدیدی پدید آمدند که پدرانشان از آنها نمی‌ترسیدند.»

و باز هم، این چیزی است که بسیاری از آموزه‌های تثنيه مدام می‌گفتند. وقتی وارد آن سرزمین می‌شوید، خطر این است که از خود راضی شوید و فکر کنید که همه چیز به شما مربوط است. و تاریخ خود را فراموش خواهید کرد، و تمام کارهایی را که خدا برای آوردن شما به این مکان و دادن این سرزمین به شما انجام داده است، فراموش خواهید کرد.

بنابراین، در قالب یثرون اسرائیل، به عنوان شخصی تجسم می‌یابد که به سرزمینی می‌رود که بهترین گندم و بهترین انگور را دارد و از آنجا خودش چاق و از خود راضی می‌شود و سپس شروع به پیروی از خدایان دیگر می‌کند.

صخره‌ای را که تو را زاده است، نادیده گرفتی و خدایی را که تو را زاده است، فراموش کردی.» من عاشق این بخش هستم، و این عبارت جالبی است که می‌توان آن را به موازات هم قرار داد. مفهوم این است که تو خدا را فراموش کردی، اما دو فعل مختلف در اینجا استفاده شده است. فعل اول «به وجود آمده» است. این عبارت زیاد استفاده می‌شود؛ ما آن را زیاد در نسب‌نامه‌ها می‌بینیم. اگر هر یک از نسب‌نامه‌ها را بخوانید، معمولاً به این صورت هستند: «فلانی و فلانی، فلانی را به وجود آورد، که فلانی و فلانی را به وجود آورد. این معمولاً به مردان نسبت داده می‌شود. به پدران، پسری را به وجود آورد که نوه را به وجود آورد. و ما این تصویر مردانه را داریم، و این واقعاً به خوبی مطابقت دارد زیرا ما خدا را به عنوان پدر بنی اسرائیل دیده‌ایم، اما عبارت موازی این است: «و خدایی را که تو را زاده است فراموش کرد.» و آن فعل تولد در واقع، فقط یک فعل زنانه است، و بنابراین ما به روشی بسیار زیبا، این تصویر از خدا را هم به عنوان پدر و هم به عنوان مادر داریم. می‌دانید، تقریباً همه اینها، او فراتر از هویت جنسیتی است. بنابراین، او کسی است که تو را زاده است؛ او کسی است که تو را به دنیا آورده است.

تثنيه ۱۹:۳۲ به بعد - در باب فراموشی که منجر به لعنت می‌شود و بازنگری در مضمون سدوم

چند بیت بعدی این سرود به این موضوع برمی‌گردد که بنی‌اسرائیل احتمالاً چگونه از خدا روی برمی‌گردانند. بنابراین، «خداوند این را دید و آنها را به خاطر تحریک پسران و دخترانش طرد کرد. سپس گفت، روی خود را از آنها خواهم پوشانم. خواهم دید که عاقبتشان چه خواهد شد. زیرا آنها نسلی منحرف هستند پسرانی که در آنها وفا نیست. آنها مرا با آنچه خدا نیست به غیرت آوردند. آنها مرا با بت‌های خود به خشم آوردند. پس من آنها را با کسانی که قوم نیستند به غیرت خواهم آورد. من آنها را با قومی نادان به خشم خواهم آورد.» و در اینجا، اگر کمی چالش می‌خواهید، من رومیان ۱۰ را می‌خوانم و می‌بینم که آیا می‌توانید نوعی ارتباط در رومیان ۱۰ با سرود موسی که در اینجا در فصل ۳۲ آمده است، پیدا کنید.

حتی در این سرود، مطالبی وجود دارد که موسی به مردم آموزش می‌دهد؛ در این سرود، برخی از نفرین‌ها و پیامدهای انتخاب‌هایشان تکرار می‌شود. بنابراین، وقتی آنها خدا را رد می‌کنند، وقتی از او روی برمی‌گردانند و بت‌های دیگری را انتخاب می‌کنند، اتفاقاتی رخ خواهد داد.

.خب، فهرست کاملی از آنها وجود دارد، و من قصد دارم به آیه ۳۰ برسم

می‌گوید: «چگونه کسی می‌توانست هزار و دو نفر را تعقیب کند و ده هزار نفر را فراری دهد، مگر اینکه صخره آنها، آنها را فروخته باشد و خداوند آنها را رها کرده باشد. در واقع، صخره آنها مانند صخره ما نیست، حتی دشمنان ما نیز خود این را قضاوت کرده‌اند. زیرا تاک آنها از تاک سدوم و از مزارع عموره است. انگورهای آنها انگورهای زهرآگین یا خوشه‌های تلخ است. شراب آنها زهر مارها و زهر کشنده مارهای کبرا است»

دوباره، ما این ارتباط را به سدوم و عموره داریم. و ما این ارتباط را با این استعاره از اسرائیل که مانند یک تاک است، داریم. این در مزموور ۸۰ و در اشعیا ۵ نیز آمده است، جایی که روشی رایج برای به تصویر کشیدن ملت اسرائیل به عنوان یک تاک برگزیده است که خدا از مصر بیرون می‌آورد و در کوهستان می‌کارد و، انتظار دارد که آنها میوه خوبی بدهند، اما این کار را نمی‌کنند و میوه آنها به میوه ترش تبدیل می‌شود. بنابراین ما این را حتی در سرود موسی نیز می‌بینیم.

بنابراین، اگرچه سرود موسی اذعان می‌کند که مردم ممکن است رویگردان شوند، اما به دلیل رویگردانی مردم، مجازاتی وجود خواهد داشت. ما هرگز آن را به حال خود رها نمی‌کنیم. ما فرامین را انجام می‌دهیم اما به بازگشت [به سوی خدا] امیدواریم

بنابراین، در آیه ۳۶ آمده است: «زیرا خداوند قوم خود را دادخواهی خواهد کرد و بر بندگان شفقته خواهد ورزید. هنگامی که ببیند قدرت آنها از بین رفته است و هیچ برده یا آزادی باقی نمانده است، می‌گوید خدایان آنها کجا هستند، صخره‌ای که در آن پناه می‌گرفتند؟ چه کسانی چربی قربانی‌های آنها را می‌خوردند و شراب هدیه نوشیدنی آنها را می‌نوشیدند. بگذارید برخیزند و شما را یاری کنند. بگذارید آنها مخفیگاه شما باشند اکنون ببینید که من، من او هستم. خدایی غیر از من نیست. من می‌میرانم و زنده می‌کنم، من زخمی می‌کنم و من شفا می‌دهم. کسی نیست که بتواند از دست من رهایی دهد. همانا، دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کنم و می‌گویم، همانطور که تا ابد زنده هستم، اگر شمشیر براق خود را تیز کنم و دست من عدالت را بگیرد. از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و کسانی را که از من متنفرند، مجازات خواهم کرد. تیری از خون خواهم ساخت و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. با خون کشتگان و اسیران، از رهبران بلند موی دشمن، ای ملت‌ها، با قوم او شادی کنید. زیرا او انتقام خون بندگان خود را خواهد گرفت و از دشمنان خود انتقام خواهد کشید و برای سرزمین و قوم خود کفاره خواهد داد.» و سپس موسی نازل می‌شود و این کلام را می‌گوید و این سرود را به مردم می‌آموزد.

بنابراین، از این آهنگ، دیده‌ایم که چگونه خود این آهنگ تاریخ آنها را آموزش می‌دهد، و این آهنگ عنصری از خروج از هرج و مرج را دارد، بنابراین از توهو و ابوهو، تاریکی عمیق هرج و مرج، از هرج و مرج تا سرزمین فراوانی. و احتیاط در مورد آنچه وقتی در سرزمین فراوانی قرار می‌گیرید اتفاق می‌افتد، که نگذارید قلبتان سخت شود و روی برگردانید و از خدایان دیگر پیروی کنید.

همچنین قابل توجه است که مردم فقط مالک زمین نیستند. هدف این نیست. هدف این نیست که وارد آن شوند و فقط آن را تصاحب کنند، بلکه هدف این است که بروند و با موفقیت در آن زمین زندگی کنند.

و از طرف دیگر، حتی در آهنگ، می‌بینیم که آوارگی یک تهدید بسیار واقعی است. اگرچه، در پایان نیز می‌بینیم که امیدی برای بازسازی وجود دارد.

تثییه ۳۳ - برکت موسی برای اسرائیل

در فصل ۳۳، به برکات موسی می‌رسیم. بنابراین، برکات موسی واقعاً بسیار شبیه به برکات یعقوب است که در پایان پیدایش در فصل ۴۹ می‌بینیم. همچنین به عنوان یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های کتاب تثنیه در نظر گرفته می‌شود.

این‌طور شروع می‌شود: «این است برکتی که موسی، مرد خدا، پیش از مرگش، بنی‌اسرائیل را با آن «برکت داد

و او بلند می‌شود و شروع به برکت دادن می‌کند، ابتدا مردم را به عنوان یک واحد، و سپس به تک تک قبایل برکت می‌دهد. برکت یعقوب در واقع کمی لحن منفی دارد. برخی از قبایل، برخی از برادران، ایده‌آل‌ترین نسخه از یک برکت را دریافت نمی‌کنند. برکت‌های موسی، تقریباً همه آنها، کاملاً مثبت هستند.

در انتهای آن دعای خیر موسی، در انتهای آیه به این ایده می‌رسیم که اشیر آخرین قبیله‌ای است که برکت یافته است. در آیه ۲۶، آمده است: «هیچ‌کس مانند خدای پشرون نیست.» که از سرود موسی وام گرفته شده است. «که بر آسمان‌ها برای یاری تو سوار می‌شود و در شکوه خود از میان آسمان‌ها عبور می‌کند. خدای ابدی مسکن توست و در زیر آن بازوهای ابدی قرار دارد. و او دشمن را از پیش روی تو بیرون راند و گفت: ناپود کن.» پس اسرائیل در امنیت ساکن است. چشمه یعقوب در سرزمین غله و شراب تازه پنهان است. آسمان» او نیز شبنم می‌ریزد. خوشا به حال تو، اسرائیل، که مانند تو هستی، قومی که توسط خداوند نجات یافته‌ای، که سپر یاری تو و شمشیر شکوه توست. پس دشمنانت در برابر تو سر تعظیم فرود خواهند آورد و تو بر فراز «بلندی‌ها قدم خواهی گذاشت»

بنابراین، اکنون، در پایان تثنیه، درست مانند تثنیه ۱. در تثنیه ۱، ما داستان چگونگی ورود قریب‌الوقوع قوم به سرزمین موعود را شنیدیم. جاسوسان گفتند که این سرزمین خوبی است، اما در چادرهایشان غرغر کردند و شکایت و گله کردند. به همین دلیل، مجبور شدند در بیابان سرگردان شوند. و اکنون آنها در حاشیه سرزمین خود هستند و شریعت خود را دریافت کرده‌اند و سرود موسی را دریافت کرده‌اند و برکت موسی را دریافت کرده‌اند. آنها هنوز باید وارد شوند.

بنابراین، ترس از بین نرفته است. دشمنانشان از بین نرفته‌اند. آنها هنوز باید وارد شوند؛ فقط باید بدانند. که لازم نیست بترسند زیرا خدای جنگجویانشان با آنهاست.

بنابراین، آنها در همان زمینه‌ای هستند که در ابتدای تثنیه بودند. اوضاع، از نظر زمینه‌ای، تغییر نکرده است. آنها هنوز هم باید وارد شوند و با دشمن خود مقابله کنند، اما این بار باید بدانند خدایی که قبلاً با فرعون در

مصر مقابله کرده، همان خدایی است که پیشاپیش آنها حرکت می‌کند و همان خدایی است که قرار است سرزمینشان را به آنها بدهد.

بنابراین، ایمانی که مردم به آن فراخوانده شده‌اند، ایمانی نیست که صرفاً تصمیم به عمل بگیرد، صرف نظر از هر اتفاقی. این ایمانی است که تاریخ آنها، جایی که قبلاً بوده‌اند و خدایشان که قبلاً ثابت کرده است را به رسمیت می‌شناسد. و آنها را به عمل فرا می‌خواند. بنابراین، نه برای اینکه ایستا باشند، بلکه برای اینکه واقعاً فعال باشند و بر اساس دانشی که دارند عمل کنند.

تثنیه ۳۴ - مرگ موسی

خب، فصل ۳۴ تثنیه قرار است همه چیز را برای ما به پایان برساند. بنابراین در تثنیه ۳۴، این زمانی است که ما مرگ موسی را داریم. بنابراین، بدیهی است که این کتاب توسط یک ویراستار نوشته شده است. در مورد موسی به صورت سوم شخص صحبت می‌شود و زندگی و فعالیت‌های موسی را به پایان می‌رساند. هر چیزی که از کتاب خروج تا پایان تثنیه دیده‌ایم

بنابراین، موسی سرود را به مردم داده است. او به مردم برکت داده است. و بنابراین «اکنون موسی از دشت‌های موآب در «یا» به کوه نیو، بالای پیسگاه، که روبروی اریحا است، بالا می‌رود. و خداوند تمام سرزمین را از جلعاد تا دان به او نشان داد.» و از آنجایی که ما فهرستی از نام مکان‌ها داریم، اجازه دهید نقشه دیگری برای شما قرار دهیم.

شما قبلاً این نقشه را دیده‌اید؛ باز هم، این نقشه‌ها از پیشینه‌های کتاب مقدس هستند. این ستاره تقریباً دشت‌های موآب است، جایی که ما معمولاً مردم را برای گوش دادن به موعظه‌های موسی قرار می‌دادیم. و می‌گویند که موسی به کوه نیو می‌رود، تقریباً در اینجا. چند قله کوه مختلف وجود دارد و مردم در مورد اینکه هنگام بازدید از اردن به کدام یک بروند بحث می‌کنند. اما بیایید موسی را قرار دهیم؛ او در این مکان است. و می‌گویند که اگرچه به موسی اجازه داده نمی‌شود که وارد سرزمین شود، اما خدا سرزمین را به او نشان می‌دهد. و الگویی برای جغرافیا وجود دارد که در اینجا ذکر شده است.

بنابراین، از «من سرزمین جلعاد را تا دان به او نشان خواهم داد.» دن در شمال دور قرار دارد. البته شهر دان در زمان موسی دان نامیده نمی‌شد. نام آن لایش بود. بنابراین، تا زمانی که قبیله دان، دانی‌ها، به شهر لایش حمله نکنند و آن را فتح نکنند، به شهر دان تبدیل نمی‌شود. و این روایت در انتهای کتاب داوران است. اما می‌بینیم که در زمانی که این نوشته شده است، ویراستار افرادی را که به این گوش می‌دهند، کسانی که این را

می‌خوانند، می‌شناسد؛ آنها آن شهر را به نام دان می‌شناسند. و بنابراین خدا موسی را از جلعاد تا دان نشان می‌دهد.

و تمام نفتالی، «بنابراین، دوباره، میراث قبایل تا کتاب یوشع داده نشده است. اما میراث قبایل نفتالی» در شمال قرار دارد. «و سرزمین افرایم و منسی، تمام سرزمین یهودا»، که منطقه کوهستانی است، «تا ساحل تا دریای غربی و نقب». ما نقب را قبلاً اینجا دیدیم، آن عدد ۸ یا علامت بی‌نهایت

دشتی در دره اریحا، شهر نخلستان‌ها تا زوعر. «شاید زوعر در انتهای جنوبی دریای مرده در نظر گرفته شود.

آنگاه خداوند به او گفت. «بنابراین چیزی که در تمام این ماجرا متوجه می‌شویم این است که من واقعاً صدای شما را می‌شنوم. بنابراین، چیزی که ممکن است متوجه شده باشید این است که الگوی این سرزمین یا فهرست این مکان‌های جغرافیایی، در جهت خلاف عقربه‌های ساعت حرکت می‌کند. از شمال، جلعاد، شروع می‌شود و سپس به آرامی از این مسیر پایین می‌آید تا به منطقه کنار کوه نبو برگردد.

حالا، وقتی امروز روی کوه نبو ایستاده‌اید، اگر هوا خیلی خیلی خیلی صاف باشد، می‌توانید بخش خوبی از این سرزمین را ببینید. شاید نه همه آن، اما می‌توانید بخش خوبی از آن را ببینید. بنابراین، این در قلمرو امکان قرار می‌گیرد، اما این به اندازه توانایی نتیجه‌گیری از این واقعیت که خدا به وعده‌ای که به ابراهیم داده است عمل می‌کند، مهم نیست.

وقتی ابراهیم بر فراز خط الراس تپه اینجا ایستاد، و خدا گفت، به راست و چپ، به شمال و به جنوب نگاه کن، این سرزمینی است که به تو داده‌ام.

حالا در پایان اسفار پنجگانه، وقتی مردم آماده می‌شوند تا به سرزمین موعود بروند، موسی سرزمین را به آنها نشان می‌دهد، و این تمام سرزمینی است که او وعده داده بود به یوشع، به ابراهیم، نه به یوشع، خواهد داد. یوشع آن را خواهد گرفت.

بنابراین، در آیه ۵ آمده است: «پس موسی، بنده خداوند، در آنجا، در سرزمین موآب، طبق کلام خداوند، درگذشت. و او را در دره سرزمین موآب، روبروی بیت فغور، دفن کرد، اما تا به امروز کسی محل دفن او را نمی‌داند. با این حال، موسی هنگام مرگ ۱۲۰ سال داشت. چشم او تار نشد و نیرویش کاهش نیافت. بنابراین، او نه تنها از نیروی خود او صحبت می‌کند، بلکه شاید اشاره‌ای به این واقعیت باشد که موسی در تمام عمرش عادل ماند.

پس بنی اسرائیل سی روز در دشت‌های موآب برای موسی گریستند و روزهای گریه و ماتم برای « موسی به پایان رسید. آنگاه یوشع پسر نون از روح حکمت پر شد، زیرا موسی دست خود را بر او نهاده بود. و بنی اسرائیل به او گوش دادند و طبق فرمان خداوند به موسی عمل کردند. از آن زمان تاکنون، هیچ پیامبری مانند موسی در اسرائیل ظهور نکرده است که خداوند او را رو در رو بشناسد.» به همین دلیل است که لقب پیامبری مانند موسی به عیسی، لقبی بسیار مهم و سنگین است.

به سبب تمام آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا در سرزمین مصر علیه فرعون و تمام بندگان و تمام این سرزمین انجام دهد، و به سبب تمام قدرت عظیم، به سبب تمام وحشت عظیمی که موسی در «نظر تمام اسرائیل به ظهور رساند».

خلاصه/نتیجه‌گیری

و این نتیجه‌گیری کتاب تثنیه است. بنابراین، من شما را تشویق می‌کنم که درس‌هایی را که تثنیه باید به مردم بدهد، یا مضامینی را که در کتاب تثنیه دیده‌ایم، چیزهایی که در مورد آنها صحبت کرده‌ایم و تکرار شده‌اند چیزهایی که تثنیه سعی دارد در سر ما فرو کند، به خاطر بسپارید. تثنیه تمام سطوح مکان را درگیر می‌کند، از حوزه خصوصی درونی گرفته تا حوزه عمومی بیرونی. همه اینها برای تسلیم شدن در برابر فرامین خداست.

ما متوجه شدیم که چگونه سرزمین فیزیکی که بنی اسرائیل به آن وارد می‌شوند، ممکن است مردم را متمیزه و از هم جدا کند. کمک به آنها برای شناسایی هویت خود تحت یک هویت واحد از قوم خدا بسیار دشوار خواهد بود.

اما آنها با قرار دادن مکان انتخاب شده در مرکز و قرار دادن جشنواره‌هایی که به آنها کمک می‌کند داستان خود را به یاد بیاورند، مردم متنوع در سرزمین متنوع را متحد کردند و همه آنها را نیز در مرکز قرار دادند. بنابراین، مردم چندین بار در سال به یاد می‌آورند که یکی هستند، همه با هم با برادران و خواهران خود.

ما به رهبری و اینکه چگونه رهبری، اقتدار را منزوی نمی‌کند، پرداختیم.

و این، رهبران را صرفاً به عنوان برگزیده‌ترین، منتخب‌ترین و ثروتمندترین بخش جامعه حفظ نمی‌کند.

تثنیه همچنین به نوع سخاوت ناخوشایند و خلاف منطق اشاره می‌کند. و این نوع سخاوت ناخوشایند چیزی است که در واقع سلامت جامعه را تضمین می‌کند.

در چارچوب مقررات قانون، شاهد این فراخوان برای تنظیم و مهار رفتارهای خودخواهانه بوده‌ایم. اینکه حس اعتدال و دنبال کردن آنچه برای جامعه خوب است، در واقع همان چیزی است که مردم باید دنبال کنند.

و ما متوجه شدیم که انسان‌هایی که در خشکی زندگی می‌کنند، به محیط واکنش نشان می‌دهند و از منابع فیزیکی اطراف خود استفاده می‌کنند. اما اعمال آنها نسبت به آن محیط، چه گیاهان، چه حیوانات، چه زمین و چه خاک، به بیرون منعکس می‌شود و آنها برمی‌گردند. بنابراین، اگر مردم در مکانی سرمایه‌گذاری کنند تا آن را به مکانی سالم و پر جنب و جوش تبدیل کنند، آن شور و نشاط برمی‌گردد و بر آنها به عنوان انسان تأثیر می‌گذارد و آنها را نیز سرزنده می‌کند.

بنابراین، در پایان مطالعه‌مان از کتاب تثبیه، می‌خواهم بگویم و فقط از آنچه در ابتدای کتاب تثبیه آمده تقلید می‌کنم. تثبیه با این جمله موسی به مردم آغاز شد: «ما این کوه حوریب، کوه سینا را دور زده‌ایم، آنقدر دور این کوه گشته‌ایم که بتوانیم برخیزیم، برویم و این کار را انجام دهیم.» بنابراین، در پایان مطالعه‌مان، به شما می‌گویم که ما به اندازه کافی دور این کوه گشته‌ایم. ما کتاب تثبیه را بررسی کرده‌ایم و سعی کرده‌ایم تصویر بزرگتری از تثبیه را ترسیم کنیم. بنابراین، ما به اندازه کافی دور این کوه گشته‌ایم، برخیزیم، برویم و انجام دهیم، زیرا این همان چیزی است که تثبیه ما را فرا می‌خواند تا پروردگاران را به یاد آوریم، خدا را به یاد آوریم، آنچه او انجام داده است، شما به عنوان قوم او چه کسانی هستید، و سپس با انجام دادن به او پاسخ دهیم.

این دکتر سینتیا پارکر و تدریس او در مورد کتاب تثبیه است. این جلسه آخر، جلسه ۱۴ است -- تثبیه ۳۱ تا ۳۴